

نوشتہی: ہانری گودار

ترجمہی: خجستہ کیهان

رمان «گروه خیمه شب بازی» به دلیل داستان و لحن شادی که دارد بهترین اثر برای آغاز شناخت سلین است

رمان «گروه خیمه شب بازی» به خاطر شرایط انتشار - اما نه فقط به این دلیل - یکی از رمانهای کمتر شناخته شدهی سلین است. اما این ویژگی خالی از تناقض نیست زیرا بر خلاف رمان «افسانه‌ای برای وقتی دیگر» که دارای همین سرنوشت است، کمتر پیچیده و جذاب‌تر بوده و از این لحاظ برای خواننده‌های که کمتر آمادگی دارد مناسب‌تر است. تجربه نشان داده است که برای تشویق افرادی که در مورد لذت بردن از خواندن آثار سلین تردید دارند، رمان «گروه خیمه شب بازی» وسیله مطمئن‌تری است اما دیگران، کسانی که قبلاً با این آثار آشنا شده‌اند، در این رمان سلینی دیگر را خواهند یافت که به شناخت بیشتر او کمک می‌کند. اگر مجموعه‌ی آثار سلین را با فاصله بنگریم، پی می‌بریم که بدون رمان «گروه خیمه شب بازی»، دچار کمبودی اساسی می‌شود. به زیر پرسش بردن رمان سنتی، بازنگری زبان، نه تنها از طریق گنجاندن زبان محاوره و اصطلاحات عامیانه، بلکه به مدد رویکردی تازه به زبان - و هر آنچه آثار سلین به تجربه‌ی کنونی ما از ادبیات می‌افزاید، در رمان «گروه خیمه شب بازی» مشاهده می‌شود.

این رمان دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده که در ناشناس ماندنش نقش داشته‌اند. سلین که از سال ۱۹۳۶ طرح رمان را در نظر داشت، بیشتر فصل‌های آن را در دوران جنگ (دوم) نوشت. اما چیزی به پایان جنگ نمانده بود که تصمیم گرفت بخش اول آن را منتشر کند: «اوضاع چنان وخیم است که باید آن را به سرعت به چاپ رساند؛ کسی نمی‌داند فردا کدام یک از ما می‌میریم و

کدام یک زنده می‌مانیم... «کتاب در آوریل ۱۹۴۴ (چند ماه پیش از پایان جنگ) منتشر شد و به دلایل واضح، برخلاف سایر آثار سلین توجه زیادی را برنیتگیخت. در این مدت سلین با همان روشی که در مورد همه‌ی رمان‌هایش به کار می‌برد، بخش بعدی آن را در دست نگارش داشت: وقتی دست‌نویس به حد معینی از آمادگی می‌رسید، آن را به ماشین‌نویس می‌سپرد تا پس از ماشین شدن آخرین بازنگری و تغییرات را - که گاه گسترده بود - در آن به وجود آورد. به همین ترتیب بود که وقتی در ماه ژوئن از طریق آلمان رهسپار دانمارک شد، یک نسخه‌ی ماشین شده از بخش دوم «گروه خیمه شب بازی» را در اختیار منشش‌اش نهاد و نسخه‌ی دیگر را برای بازنگری همراه خود برد. سلین احتمالاً آغاز بخش سوم این کتاب را نیز در آپارتمان خود در خیابان «پیراردون» باقی‌مانده بود. او در نامه‌ای به میلتون هیندوس نوشت: «سربازان متفقین تقریباً تمام دو فصل بعدی را در سطل آشغال انداختند.» با این حال پس از رسیدن به دانمارک به بازنگری بخش دوم «گروه خیمه شب بازی» پرداخت. در سال ۱۹۴۷ در حالیکه همچنان زندانی و در بیمارستان تحت درمان بود به هیندوس اعلام کرد که بخش دوم کتاب را به پایان رسانده اما از آنجا که تغییرات فراوانی به آن داده است، افزود که «باید سراسر این بخش از نو ماشین شود.» اما او هرگز به نگارش بخش بعدی آن نپرداخت، زیرا نوشتن رمانی را که بعداً «افسانه‌ای برای وقتی دیگر» نام گرفت آغاز کرده بود. بعداً نیز پس از بازگشت به پاریس می‌کوشد تا با انتشار «نمایش...» بازگشت ادبی خود را آغاز کند. سلین در نامه‌ای به آلبرت پاراز درباره‌ی علت این تصمیم نوشت: «لندن در سال ۱۹۱۷ خیلی دور است! دیگر توجه کسی را جلب نمی‌کند... من قسمت بعدی را دارم، اما باید اول «نمایش...» را تمام کنم. «در واقع نگارش «افسانه‌ای...» پیش می‌رفت که به رمان‌های سه‌گانه‌ی آلمانی منتهی شد و سلین از انتشار قسمت دوم «گروه خیمه شب بازی» خودداری کرد. در واقع این بخش از رمان - برگرفته از نسخه‌ی تصحیح و بازنگری نشده‌ی سال ۱۹۴۴ - پس از مرگ او و در سال ۱۹۶۴ منتشر شد.

پس از انتشار رمان «مرگ قسطی» سلین بارها تکرار کرده بود که دیگر چیزی برای گفتن ندارد، اما شروع و ادامه‌ی جنگ جهانی دوم دیدگاه او را تغییر داد. باید در نظر بگیریم که او در دو رمان نخست خود - و در بخش اول «مرگ قسطی» بیش از بخش دوم آن - از همه‌ی تجربیاتی که مواد خام رمان می‌شمرد، بهره‌برداری کرده بود، تجربه‌هایی که دشوار و رنج‌آور بود. از آن پس در هجوتنامه‌ها نوع دیگری از نوشتار را برگزید که در زمان حال قرار داشت و هدفش تأثیرگذاری بر واقعیت موجود بود. اما هنگامیکه در دوران اشغال فرانسه توسط ارتش آلمان تصمیم گرفت علیرغم همه چیز نوشتن رمان را از سر بگیرد، از آنجا قبلاً ماجراهای زندگی مردی به نام فردینان را به عنوان چهارچوب برگزیده بود، ناگزیر بود به همان روال ادامه دهد. به این ترتیب اپیزود

انگلیسی که پس از بهبودی و مرخصی از بیمارستانی در پاریس و پیش از سفر به آفریقا روی می‌دهد در رمان «سفر به انتهای شب» حکایت شده است. اما این دوران که در پی لحظات وحشت‌انگیز جبهه‌ی جنگ و پی بردن به آنچه در پشت جبهه می‌گذرد، و پیش از واقعیت‌های مناطق حاره و استعمار زده جای دارد، دورانی شاد است. برای سلین لندن شهر خوشبختی و بازیافتن شادی زیستن، تفریح و بازیافتن زیبایی‌ها و چیزهای مورد علاقه‌اش بود. او در سالهای پیش از ۱۹۳۹ چند بار به آن سفر کرد. تردیدی نیست که کیفیت طنزآمیز و پر احساس «گروه خیمه شب بازی» از یادآوری لحظات ممتاز زندگی در این شهر ناشی میشود، کیفیتی که آن را از مجموعه‌ی آثار سلین متمایز می‌سازد.

در هیچ نوشته‌ای از سلین جنبه‌ی کمیک به وضوح و دوام دوپست صفحه‌ی اول «گروه خیمه شب بازی» نبوده است. منظور از عنان رمان - که واژه‌ی دو پهلوی «گروه» را در بر می‌گیرد - جمع پانداها‌ی فرانسوی در لندن، زن‌های «نان آور» و آدمهای مختلف پیرامون آنها است و این همه با تخیلی تصویرساز و زبانی که نشاط و سرزندگی‌اش امتیازی محسوب می‌شود، توأم است. چنین به نظر می‌آید که آدمها، رفتارها و دیالوگها که از وزن رمانی اندکی برخوردارند، تنها برای ایجاد خنده آفریده شده‌اند. نه خنده‌ی تلخ و انتقام جوی هجو یا هزل و نه خنده‌ای برای زدودن ترس یا اضطراب، بلکه خنده‌ای که ناشی از شادی و لذت است. در اینجا همه چیز در خدمت سویی کمیک است که در جاهای دیگر به وسیله‌ی حمله یا دفاع محدود می‌شود، اما در صحنه‌های بزرگ سفر دریایی به دینگبای یا لستر، بیمارستان لندن یا در منزل ون کلابن ادامه می‌یابد و دم به دم به یافته‌های تازه‌ای منتهی می‌شود. این صفحات طوری نوشته شده‌اند که خواننده‌ی منزوی را در اتاقش به خنده می‌اندازند، آن هم با صدای بلند. در بخش دوم رمان نیز همین حالت پانتومیم اگر چه با کارایی کمتر، حفظ شده که بیشتر پرستارها را به شکلک‌ها، رقص‌ها و دلقک بازیهایشان فرو می‌کاهد. هرگز در هیچ کتابی مانند «گروه خیمه شب بازی» استعداد سلین در پیوند زدن میان روایت و کمدی نمایان نبوده است، استعدادی که در ادبیات فرانسه رواج چندانی ندارد.

در این رمان همچنین به احساساتی پر و بال می‌دهد که در سایر آثارش به آنها صرفاً اشاره می‌کند: از جمله عشق شدید به ویرجینیای جوان که سراسر بخش دوم رمان را فرا گرفته است. اما او چنان فردینان را فلج می‌کند که فقط می‌تواند جملات کلیشه‌ای را بر زبان بیاورد. این اشتیاق شدید شاید موجب آن بوده که سلین این بخش از رمان را هنگام بازخوانی «سست» بنامد. در واقع آفرینش زبانی چنان است که هنگام خواندن متن احساس ثابت ماندن در برابر این نمایش را به وجود می‌آورد. اما هنگامیکه به وصف لندن و رودخانه‌اش «تیمز» به مثابه یک

نمایش می‌پردازد، متن با زبانی اشاره‌گر و بیانی کارآمد روایت می‌شود. لندن، شهر افسونگر سلین در سراسر کتاب حضور دارد، از حومه‌ی غربی‌اش گرفته تا محلات بارانداز و گرینیچ در شرق، با گذر از مرکز آن که جایگاه همه‌ی لذتهاست: لستر اسکوئیر و پیکادیلی. وقتی به «گروه خیمه شب بازی» فکر می‌کنیم، ابتدا این جهان لندنی را باز می‌یابیم که با تصویرهایی از رودخانه‌ی «تیمز» همراه است. پرسناژها نیز هنگامی که از رودخانه عبور می‌کنند به متن فرصت می‌دهند که به شگفتی جریان آب و قایق‌ها بپردازد.

با این حال نباید تصور کرد که این رمان با آثار قبلی یا بعدی سلین تفاوت‌های بنیادین دارد. جهان اندیشه‌ای سلین به گونه‌ای دستخوش نگرانی‌ها و اشتیاق‌های عمیق است که هیچ یک از داستان‌هایی که در آن شکل می‌گیرد از آنها برکنار نمی‌ماند. بدین سان سوبیه‌ی کمیک که در ابتدا خالص است، به زودی با اضطراب‌گره می‌خورد. فردینان که در نخستین بخش رمان «گروه خیمه شب بازی» صرفاً شاهد است، پس از مرگ ون کلاین در ماجرا درگیر می‌شود: به این معنی که مانند سایر قهرمانان سلین، مورد تهدید قرار می‌گیرد. شاهد دو مرگ، وضع اقامت غیرقانونی، بی‌بولی و حامیانی که حالا ستمگر شده‌اند؛ زندگی راحت و خنده و شوخی به کج راهی کابوس افتاده و از این پس هیچ یک از رفتارهای عجیب و غریب سوستن نمی‌تواند اخم‌های فردینان را باز کند. اگر چه جنبه‌ی نمایشی رودخانه در بخش دوم رمان امتداد می‌یابد، اما روابط عاشقانه با ویرجینیا به زودی به سراشیب می‌افتد. فردینان الهه‌اش را در کنار بیگودی پیر و سپس میل پات می‌یابد و سخت دستخوش حسادت می‌شود. داستان در خطوط اصلی و جزئیاتش از تخیل نیرومند سلین مایه دارد. اگر چه در نخستین بخش رمان «گروه خیمه شب بازی» با سلینی شاد روبرو می‌شویم، رفته رفته همراه با پیشرفت روایت آفرینش‌هایی را باز می‌یابیم که رمان‌های دیگر سلین را نیز غنی ساخته است و وسواس‌هایی که به آنها شکل می‌بخشد. از این دیدگاه لحن متفاوت رمان «گروه خیمه شب بازی» موجب نمی‌شود که عمیقاً در مجموعه‌ی آثار سلین قرار نگیرد.

از این گذشته نوشتن این رمان در مقایسه با سایر آثار سلین گام مهمی محسوب می‌شود. برای نخستین بار (حتماً هجو نامه‌ها که پیش از آن نوشته شده بودند، در این نکته نقشی تعیین کننده داشتند) راوی در سراسر رمان حضور دارد. نه تنها یادآوری می‌کند که کیست، چگونه زندگی می‌کند و حین نوشتن پیرامونش چه می‌گذرد (به این ترتیب چشم‌انداز جنگ همراه با بمبارانها و تقسیم‌بندی جهان در متن می‌آید)، بلکه روایت چیزهای جز گذری در خاطرات، گاه جستجوگر و گاه همراه با خطا و پشیمانی نیست. از این پس دیگر داستان از خاطراتی که از پیش برگزیده و تنظیم شده باشد ساخته نشده، بلکه از به هم پیوستن خاطره‌ها تشکیل می‌شود. راوی

بی‌هیچ فاصله‌ای از این خاطرات، در هر لحظه حضوری تمام و کمال دارد؛ حاضر است و جدایی‌ناپذیر از روایت خود. سراسر قرار دادی که - اگر چه نامعقول می‌نماید - از دیرباز وجود دارد و بنا بر آن داستانی به خودی خود، جدا از راوی که آن را حکایت می‌کند، در زمان مخصوص به خودش می‌گذرد، ناگهان به وسیله‌ی ابهامی که ادغام روایت در خاطرات راوی ایجاد می‌کند - شیوه‌ای که در رمان «گروه خیمه شب بازی» ابداع می‌شود - از میان می‌رود. اصطلاح «زمان حال روایت» به وسیله‌ی سلین تغییر مفهوم می‌دهد: دیگر منظور نقل آنچه در گذشته روی داده به زمان حال نیست، بلکه زمان حال راوی مورد نظر است - یعنی موقعیت یکباره به یاد آوردن و نوشتن. بررسی پی‌آمدهای این تغییر موضع نویسنده در ارتباط با متن همچنان ادامه دارد.

به گمان من برآورد گسترده‌ی نوآوریهای زبانی سلین نیز پایان نیافته است. او واژه‌ها و عبارتهایی که در حالت عادی به متون کتبی راه ندارد را به نحوی چنان موثر به کار می‌گیرد که فراموش می‌کنیم این سطحی‌ترین جنبه‌ی کارش است. سلین رفته رفته پایان بندی ساختار را رها کرده است: از نخستین واژه تا نقطه‌ی انتها، سیستم دستوری و مفهومی او از قطعاتی تشکیل می‌شود که یکی پس از دیگری می‌آیند و خود بسنده‌اند. از این پس نقطه‌گذاری به شیوه‌ی معمول انجام نمی‌شود و گذاشتن سه نقطه جایگزین نشانه‌های مختلف می‌گردد، از این گذشته به جز پشت هم آمدن گروه‌های کلمات چیزی باقی نمی‌ماند؛ گروههایی که هر یک عنصری از معنی را می‌رسانند، اما گویی میان گروه‌های قبلی و بعدی نهاده شده، بی‌آنکه از لحاظ دستوری به آنها پیوسته باشد، یا این که پیوند محسوسی داشته باشد. این کاهش محدودیت پیوندهای دستوری و منطق آن، موجب رابطه‌ی بسیار متفاوتی میان گوینده با زبان می‌شود. در «گروه خیمه شب بازی» سلین دست به کشف امکانات این شیوه‌ی تازه‌ی سخن می‌زند و رفته رفته عاداتها و شیوه‌های معمول آداب نوشتاری زبان فرانسه را رها می‌کند. برای او به طور طبیعی تصاویری که بار عاطفی شدیدی دارند به این جا به جایی‌های زبانی بیشتر یاری می‌رسانند و در راستای آنهاست که نوآوری تحمیل شده به معیارهای گذشته، به عرصه‌های نوین راه می‌برند. تصاویر دو صحنه‌ی متضاد، یعنی گروه کودکانی که در خیابانهای لندن بازی می‌کنند از یک سو و سایر صحنه‌های خیابان از سوی دیگر به این ترتیب روایت شده‌اند:

«وروجک‌ها زیر آفتاب، گروه سبک وزن ژولیده، از یک سایه به سایه‌ی دیگر پریدن!... نمای بلورین خنده‌ها... درخشان از یک خطر به خطر دیگر!... چهره‌های ترسان در برابر آبجوفروشان سنگین وزن!... پا به پا شدن اسب کهر و له شدن پژواکها!... اسب پشمالو و درشت هیکل... شرکت آبجو سازی «گینس» از یک دلهره به دلهره‌ای دیگر!... دختران رؤیایی!... زنده‌تر از پرندگان در باد!... موج سواری کنیدا!... چرخ بزنید در کوچه‌های باریک!... در مه!... در بدیاری‌ها به رنگ

«خلاصه مثل جنگ است بر علیه گزیدگی بزرگ، وحشتی که درون است، آدم را می‌خورد، بی‌هفت تیر، بی‌شمشیر، بی‌توپ، همه چیزت را ریشه کن می‌کند، به سرعت می‌برد، چیزی که از هیچ جا نمی‌آید، از هیچ آسمانی، یک روز می‌بینی که انگار دیگر وجود نداری، زنده زنده پوستت راکنده‌اند، قیمة قیمة و زخم خورده انگار روی آتش سرخت کرده باشند، زیر دندان قرچ و قروچ صدا می‌دهی، همین طور یواش یواش، سکسه‌های سرخ، غر و لند و دعاها و التماسهای وحشتناک.»

همه‌گونه پیچ و تاب، جا به جایی‌های نامحسوس، کاربرد واژه‌های متروک و نوساخته که در عین حال آشنا و غریب می‌نمایند، حذف کلمات لازم که به سادگی موجب کنار هم نهادن عبارت‌ها و ایجاد ارتباط میان آنها می‌شود، متن‌های سلین از همی این‌ها ساخته می‌شود. با این همه مفهومی که در آن است ادامه می‌یابد، بی‌آنکه هیچ یک از اثرات یا کنایه‌های زبانی از دست برود. در نهایت در بعضی از بخش‌های کتاب فراوانی کلمات از مفهوم فراتر می‌رود.

«گروه خیمه شب بازی» به خاطر چگونگی داستان و لحن شادش می‌تواند برای خوانندگانی که پیچیدگی سایر آثار سلین را برنمی‌تابند، فرصت کشف این آثار را به دست دهد. روایتی که همراه با غنای جنبه‌ی تخیلی، لذت زبان را نیز ارائه می‌کند. خواننده هر قدر نسبت به همجواری و آهنگ واژه‌ها بی‌اعتنا باشد و در انتظار کاربرد ادبی زبان بماند تا به ژرفای آن برسد، در اینجا سطر به سطر ارضاء می‌شود. با این حال از لذت تصور مکانها و پرسناژها و دنبال کردن آکسیون محروم نمی‌ماند. داستان، بی‌آنکه همه چیز باشد یا حتی مرکز رمان را اشغال کند، نیرویی دارد که تا به امروز بر ما اثر می‌گذارد. نیروی رمان «گروه خیمه شب بازی» مانند سایر آثار سلین، از ارضاء این دو خواسته ناشی می‌شود، اگر چه با لحن کم‌دی همراه است.

#### انتشارات طهوری منتشر کرده است:

- دانشنامه اساطیر یونان و روم / مایک دیکسون کندی / دکتر رقیه بهزادی
- ثنویان در عهد باستان / دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی
- آداب و رسوم و فرهنگ عامه / رضا سرلک
- اصول مدیریت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار / عین‌اله علا

انتشارات طهوری — خیابان انقلاب — روبروی

دانشگاه تهران — شماره ۱۴۳۸ تلفن: ۶۶۴۰۶۳۳۰